



# فهرست کتاب

یک شکل ایده آل فرهنگ نویسی، تخصصی کردن فرهنگها و تألیف فرهنگهایی در موضوعات جداگانه است؛ اما گام پیش از آن تدوین فرهنگهای عمومی قابل و جامع است. این امر می طلبد که شیوه درست و جامعی در زمینه نگارش فرهنگها و از آن میان فرهنگهای فارسی - عربی تدوین شود و در دسترس باشد.

## ۱- فرهنگهای فارسی - عربی

نظری به فرهنگهای فارسی - عربی چاپ شده در داخل و خارج ایران نشان می دهد که عمر فرهنگ نویسی فارسی - عربی کمتر از صد سال است. این امر می تواند علل متفاوتی داشته باشد از جمله اینکه چون حجم ترجمه های فارسی به عربی کمتر از ترجمه های عربی به فارسی بوده نیاز به اینگونه فرهنگ لغتها نیز کمتر احساس شده؛ اما نیاز مبرم امروزه چه در داخل و چه در خارج کشور، همچنین وجود رشته عربی در اغلب دانشگاههای ایران و رشته فارسی در بیشتر کشورهای عرب زبان اقتضای این را دارد که فرهنگهای فارسی - عربی ای بیش از شمار موجود در دسترس باشد. آنچه از سوی ایرانیان و عربها تاکنون به صورت جدی و نیمه جدی در این قلمرو به نگارش درآمده به قرار زیر است:

۱- المعجم محمد موسی هندوای [ترجمه فرهنگ انگلیسی

## «پالمر»

- ۲- المعجم الذهبی (فرهنگ طلایی) محمد التونجی
- ۳- قاموس الفارسیة عبدالنعیم محمد حسنین
- ۴- الجامع حسین مجیب المصری
- ۵- فرهنگ تخصصی اصطلاحات سیاسی نظامی (؟) محمد نورالدین عبدالمنعم
- ۶- المعجم الفارسی الکبیر (۷۳) ابراهیم الدسوقی شتا
- ۷- فرهنگ فارسی به عربی محمد رجیبی
- ۸- فرهنگ دانشگاهی أحمد سیاح
- ۹- فرهنگ اصطلاحات روز مرتضی آیت الله زاده شیرازی، محمد غفرانی
- ۱۰- فرهنگ المفید
- ۱۱- فرهنگ مطبوعاتی حسین شمس آبادی
- ۱۲- فرهنگ فرزانه سید حمید طبیبیان
- ۱۳- المعجم الفارسی العربی الموجز (همان المعجم الذهبی با هیتی تازه) محمد التونجی
- ۱۴- معجم المحيط
- ۱۵- القاموس الفرید [؟] (ناقص و چاپ نشده) أحمد نجفی
- ۱۶- فرهنگ فارسی - عربی (در دست تکمیل و چاپ) نادر نظام تهرانی

## ● فرهنگ فرزنان

احسان اسمعیلی طاهری

● انتشارات فرزنان روز، چاپ اول، ۱۳۷۸



بود به شیوه مرسوم تر در فرهنگ نویسی، هر تصویر در حاشیه همان صفحه ای بیاید که توضیح و معادل واژه اش قرار دارد.

مانند آغاز خیلی از فرهنگهای فارسی - عربی دیگر حرف «آ» از حرف همزه (أ) جدا شده و هرکدام یک حرف مستقل به حساب آمده اند تا کار مراجعه و مدخل یابی در آن آسان تر باشد. در مواردی که مؤنث یک اسم در عربی با مذکرش فرق داشته با رمز [نث] از آن جدا شده. نوع و نقش مدخلهای اسمی فارسی ایجاب کرده که نه همه معادلهای عربی با «ال» همراه باشد و نه همگی بدون «ال» مانند: روزانه / یومیاً / ترقی خواهانه: تقدیماً / پناستی: ضربه جزاء / جنگ فرسایشی: حرب استنزاف / زندان: السجن / ترقی: التقدّم / زنجیر: السلسله. مصدرها به مصدر متون منصوب معادل گذاری شده نه -مانند خیلی از فرهنگها- به فعل ماضی. دلیل مؤلف محترم در این کار شاید اعمال دقت بیشتر در معادل یابی بوده است. نیز فرق میان مصدر و اسم مصدر با تونین و «ال» مشخص می شود (ر. ک مثلاً به بزرگداشتن، بزرگداشت).

از محاسن این فرهنگ اینکه تمامی مدخلهای فارسی با الفبای لاتین آوانگاری شده و همه معادلهای عربی دارای حرکت و اعراب است که در فرهنگهای مشابه دیده نمی شود. این امر، کار مراجعه را حتی برای مبتدیان آسان می کند، مضافاً اینکه مراجعه کننده ای که

## ۲- فرهنگ فارسی عربی فرزنان

این فرهنگ دوزبانه تازه ترین کوشش جدی در حوزه فرهنگهای فارسی - عربی است. مؤلف آن آقای دکتر سیدحمید طبیبیان پیش تر فرهنگ عربی لاروس را به فارسی برگردانده است. فرهنگ فرزنان نخستین بار در ۱۳۷۸ از سوی انتشارات فرزنان روز در بیش از ۱۱۱۵ + دوازده صفحه با جلد گالینگور و به صورت انگشتی (اندیکس دار) به چاپ رسیده است. مؤلف محترم بدون ذکر تعداد واژگان این فرهنگ، نام پانزده فرهنگ را که مورد استفاده اش بوده در مقدمه فهرست کرده و تقریباً در پایان هر حرف یک یا چند صفحه تصویر سیاه و سفید (بیشتر به نقل از فرهنگ عربی - فارسی لاروس) قرار گرفته که جزو صفحه شمار کتاب به حساب نیامده است. شاید بهتر

مدخل یا واژه‌ای را برای نخستین بار می‌بیند ضبط و تلفظ صحیح آن را می‌آموزد. از دیگر ویژگیهای مثبت واژه‌نامه حاضر تعیین حرکت عین الفعل ماضی و مضارع در معادلهای فعلی عربی، رعایت رسم الخط عربی در نگارش همزه‌های آغاز و یاء‌های پایان کلمات و مهم‌تر از آن دو، جدا کردن معادلهای مختلف و حوزه‌های معنایی متفاوت یک واژه از همدیگر در طی شماره‌های گوناگون است (ر.ک: مثلاً به «پذیرش»).

با ارج نهادن به زحمات مؤلف بزرگوار و نیت خیر ایشان در خدمت به فرهنگ و ادب این مرز و بوم جهت اطلاع، موارد و پیشنهادهایی ذیلاً به قلم می‌آید که در خلال تورق واژه‌نامهٔ فروزان به نظر رسیده و شاید ارزش خواندن داشته باشد:

۱ - در شماری از فعلهای فارسی حرف اضافه نقش تعیین‌کننده‌ای دارد و از آن جدا نمی‌شود. سالها پیش مرحوم استاد غلامحسین یوسفی در جایی گفته بود: «مصدرها و فعلهای زبان فارسی را باید با حرف اضافه‌های متناسب با آنها آموخت و به کاربرد نه آنکه [فقط] ماده و مصدر فعل را به صورت مجرد به خاطر سپرد» (یادداشتها «مجموعه مقالات») و اگر قرار است این دسته از افعال در جایی ثبت شود، نخستین و بهترین جا فرهنگ فارسی یک‌زبانه یا دوزبانه است. متأسفانه در هیچ‌یک از فرهنگهای فارسی - عربی تألیف یافته از سوی عربها یا ایرانیها و از جمله در فرهنگ حاضر این نقیصه جبران نشده. ذکر هر فعل ساده و مرکب فارسی با حرف اضافهٔ خاص آن کاری است که در درجه اول از عهدۀ فرهنگ‌نویسان ایرانی برمی‌آید و پیش از هر کس وظیفۀ ما ایرانیهاست.

برخی نمونه‌های این افعال که در اثر حاضر بدون حرف اضافه آمده‌اند: ازدواج کردن [با] / راه آمدن [با] / اطاعت کردن [از] / سرپیچی کردن [از] / دفاع کردن [از] / دست‌اندازی کردن [به] / اعتراف کردن [به] / دلپستن [به].

۲ - در برخی موارد که یک واژه چندمعنایی است، بعضاً تمامی معادلهای معانی مختلف آن درج نشده مانند: دوش: ... [۳ - لیلة أمس] ... / ساعت فروشی: ... [۲ - محل بیع الساعات] ... / دست به دست کردن: ... [۲ - التسویف و المماطلة] ... / چه: ... [۳ - لأن، بما أن، ذلک أن] ... / دم زدن: ... [۲ - از: التحدّث عن] ... / چندآنکه: ... [۲ - کثیر، عدید] ...، بعضاً هم جا داشت برای تکمیل فایده و مزید اطلاع، معادلهای گوناگون یک حوزه معنایی در کنار هم بیاید و به یک معادل عربی بسنده نشود. مخصوصاً اگر معادل معروف‌تر و پرکاربردتری هست حتماً ذکر شود. چه باک از اینکه بر اثر زیاد شدن حجم، فرهنگ حاضر به صورت دو یا چندجلدی درمی‌آید؟ مگر

غرض ارائه اطلاعات، کامل به صورت یکجا و در کمترین زمان ممکن به مراجعه‌کننده نیست؟ پاره‌ای نمونه‌های این مورد عبارت است از: ای کاش: ... [کو] / انگشت نما: ... [، مشارالیه بالبنان] / بولوار: ... [بلغار] / بازنگری: ... [أعادة النظر] / پژوهشگر: ... [، الباحث، الدارس] / پُما: ... [، المرهم، الدلوك، المروخ، العصاره] / درباره: ... [، فی، عن، حول، بشأن] / توربین: ... [، توربینه، عنفة] / خوشرویی: ... [اطلافة الوجه] / اندلس: ... [، الأندلس] / اما: ... [، لكن، إلا أن، غیر أن، لكن] / تعمداً: ... [عن عمد] / اصطلب: ... [، الإصطبل].

۳ - چنانکه خود مؤلف در مقدمه آورده برای زیاد نشدن حجم فرهنگ، در مدخلهای مترادف، ارجاع فراوان دیده می‌شود و معمولاً غیرمشهور به مشهور و فرع به اصل و کم کاربرد به پرکاربرد ارجاع داده شده؛ اما به نظر می‌رسد اگر این مسئله از حد معمول فراتر رود موجب ملال و صرف وقت بیش از حد می‌شود.

۴ - تعیین لزوم و تعدی فعل با ذکر یا عدم ذکر مفعول در کنار فعل، امری معمول و در عین حال مهم و شیوه‌ای مرسوم هم در فرهنگ‌نگاری قدیم و هم در واژه‌نامه‌نویسی نوین است. در موارد معتناهی از فرهنگ حاضر مفعول فعل متعدی به همراه آن نیامده، حال آنکه این یک نکته اساسی برای مراجعه‌کننده به فرهنگ است تا برای تشخیص لزوم و تعدی به فرهنگ دیگری مراجعه نکند. پاره‌ای نمونه‌ها: اعراب‌گذاری کردن [جمله یا... را]، اعراب [ها] شکل [ها] / اهدا کردن [چیزی را به کسی]: اهداء، اهدی [ه] / وإلیه الشیء [ه]، اتحف [ه] بکذا] / اهانت کردن [به کسی]: اهانة، اهان [ه] / درمان کردن [درد کسی را]: معالجة، علاج [ه]، داوی [ه] / زیر کردن [وسلیة نقلیه کسی یا چیزی را]: دهنسأ، دهنس [ه] / شباهت داشتن [به]: شابهة [ه]، أشبه [ه] / شاید بهتر بود مانند فرهنگ عربی - انگلیسی المورد واژه‌ها و

مدخلهای اصلی زیر واژه و زیرمدخل داشته باشند تا فرقهایی که ساختارها و ترکیبات متفاوت یک واژه مادر، با همدیگر و در معادل‌یابی دارند بهتر و بیشتر درک شود. برای نمونه در ذیل واژه «اسمی» مثلاً «ظرفیت اسمی»، «حالت اسمی» و... قرار می‌گرفت.

۶ - یک روش معمول و متداول در میان فرهنگ‌نویسان عربی قدیم و جدید به ثبت درآوردن موارد سماعی زبان عربی و از میان همهٔ آنها «جمع مکسر» اسمها است. به نظر می‌رسد مراجعه‌کنندهٔ فارسی‌زبان در خیلی از موارد به اطلاع داشتن از جمع کلمه در معادل‌یابی عربی نیاز دارد که جای آن در فرهنگ فروزان خالی است.

۷ - در فرهنگ حاضر مواردی هست که از یکدستی و یکنواختی آن کاسته است؛ مثلاً پاره‌ای توضیحات داخل افزایش نماها به فارسی و برخی به عربی است؛ مانند: با: ۱ - [للمصاحبة بمعنی «مع»] / باد زد:

... [مصحوبة عادة بمطر أو تلج] / بريح: ... [لعبه من الورق] / باب: ... ۲ -  
 الباب [بخش یا فصل کتاب] / باد: ... ۳ - [که در برخی اندامها افتد] /  
 پای بیه: ... [هر دور از دورهای بیج] یا مثلاً بعضی معادلهای اسمی که  
 هیچ منعی برای پذیرش «ال» نداشته بدون «ال» آمده (انتیمون، تنقیح،  
 مشیمة، استفزاز، ...) و بسیاری از آنها همراه با «ال» (الجورب، الدجاجة،  
 العفريت و...) خوب بود در چنین مواردی شیوه‌ای یگانه و یکدست  
 اتخاذ می‌شد.

۸ - در تلفظ واژه‌های معربی مانند «ستودیو»، «سین» در آغاز کلمه  
 یا ساکن است یا پیش از آن همزه مکسور قرار گرفته نه اینکه خود  
 مکسور باشد.

۹ - در واژه‌های مرکب تشکیل شده از جزء نخستین (حرف  
 اضافه) «با» دو معنی حاصل می‌شود: الف) صفت دو واژه‌ای (حرف  
 اضافه + اسم معنی) مانند «با آذب» «مؤذب»، «با استعداد» (مستعد)،  
 «با آبرو» (آبرودار). ب) قید حالت حرف اضافه دار (با، به، ... + اسم  
 معنی) مانند «با ادب و احترام وارد شده» (مؤدبانه و محترمانه وارد شد)،  
 با احتیاط (محتاطانه). در این کاربرد مکث و درنگی میان حرف اضافه  
 و کلمه بعد هست که در کاربرد و معنی نخستین نیست. ظاهراً چنین  
 تفکیکی میان معادلهای عربی این دو کاربرد صورت نگرفته (ر. ک  
 «با» + ...) نیز در واژه‌های مرکب فارسی مختوم به پسوند «انه» که قید  
 حالت را نشان می‌دهد به نظر می‌رسد معادل عربی غالباً باید با «با» +  
 اسم معنی بدون «ال» (تنوین دار) ساخته شود. به جز مواردی اندک  
 مانند علی التدریج، بالتفصیل. چنانکه مثلاً در معادل گذاری «خالصانه»  
 و «مؤدبانه» در فرهنگ حاضر صورت گرفته؛ اما در مواردی هم این  
 امر رعایت نشده (ر. ک: استادانه، حریصانه و...).

۱۰ - مؤلف فاضل در مقدمه از تمام موارد مربوط به شیوه‌نامه  
 فرهنگ یاد نکرده‌اند؛ مثلاً معادل یابی مصدر به مصدر عربی به همراه  
 تنوین نصب و سپس آوردن فعل ماضی آن مصدر پس از آن یا  
 معادل گذاری اسم مصدر به معادل عربی «ال» دار.

۱۱ - به نظر می‌رسد اگر معانی مختلف مثبت، منفی و خنثای برخی  
 کلمات و هم فرقه‌های معنایی ظریف و دقیق یک واژه در این فرهنگ  
 بهتر و جدی‌تر تعیین می‌شد، به ارزش آن افزوده می‌شد. کاری که در  
 مدخل «تمرگیدن»: نشستن [موهانه] انجام شده، اما در موارد  
 پرشماری هم رعایت نشده است. (برای نمونه ر. ک. به مدخل  
 «تشریف آوردن»).

۱۲ - طبق معمول چاپهای اول هر کتاب، شماری از سهوهای  
 چاپی و غیرچاپی در این فرهنگ نیز راه یافته، اما از آنجا که فرهنگها  
 جزو آثار مرجع است ضرورت بیشتری برای اصلاح و تصحیح آنها

در اولین فرصت احساس می‌شود. پاره‌ای از آن سهوها به این قرار  
 است: تجارت آزاد: تجارة حرّ [حرّة] / ترکیه: التركيا [ترکیا] /  
 شوهر خواهر: طهر [صهراً] / روال: روشن [اروش] / زرفنا: العمیق [العمق]  
 / زمین زدن: افتادن [انداختن] / سرما خورده: مصیب [مصاب] بالزکام /  
 سه گانه: تثلیث [... الثلاثة، ... الثلاث] / خم: بنت الخایبة [الخایبة] /  
 دودی رنگ: دُخنة [دخانی، بلون الدخان] / دیوث: قوأت [قواد] / ذرت:  
 الذرة [الذرة: با «را»ی مخفف] / خودنویس: قلم الحبر [قلم حبر] / زمین  
 باتلاقی: أرض مستنقع [مستنقعة] / شنوایی سنجی: المسماع،  
 مقياس السمع [قياس السمع].

۱۳ - کنایه‌ها و اصطلاحات فارسی کمتر در این فرهنگ  
 معادل گذاری شده. البته باید در همین جا اعتراف کرد انجام دادن  
 چنین کاری برای یک نفر امری دشوار و توانفرساست، ولی به هر  
 حال یکی از نیازهای یک فرهنگ فارسی عربی است.

۱۴ - در رسیدن به کمال مطلوب در فرهنگهای فارسی - عربی  
 تعیین امروزی یا قدیمی بودن یک واژه و همچنین تعیین اینکه برخی  
 واژه‌ها در کدام کشور استعمال دارد یا اینکه مثلاً کاربرد گفتاری دارد  
 یا نوشتاری، لازم می‌نماید. این کار هر چند بسیار دشوار است اما  
 دست نیافتنی نیست و در هر حال لازم است.

در پایان ضمن پاسداشت تلاش مؤلف فاضل و آرزوی توفیق  
 برای ایشان در تکمیل واژه‌نامه حاضر و همچنین اقرار به دشواری کار  
 فرهنگ نویسی باید گفت: فرهنگ فرزنان تازه‌ترین کوشش جدی  
 است که البته نباید آخرین باشد و ضرورت دارد همه صاحب نظران تا  
 رسیدن به یک فرهنگ فارسی - عربی قابل و تقریباً کامل و پس از آن  
 نگارش فرهنگهای تخصصی‌ای از این دست تلاش کنند.

#### منابع و مآخذ:

۱. طیبیان، سیدحمید؛ فرهنگ فرزنان، ج اول، تهران، انتشارات فرزنان روز،  
 ۱۳۷۸ ش.
۲. دسوقی شتا، ابراهیم؛ المعجم الفارسی الكبير (۱/۳)، ج اول، قاهره،  
 مکتبه مدبولی، ۱۹۹۲ م.
۳. یوسفی، غلامحسین، یادداشتها (مجموعه مقالات)، ج اول، تهران،  
 سخن، ۱۳۷۰ ش.